

الگوی حاکمیت شرکتی در اقتصاد اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

یونس عباسی* بابک جمشیدی نوید**

مهرداد قنبری*** فرشید نمایان****

چکیده

حاکمیت شرکتی تقریباً توسط همه جوامع تجاری و شرکت‌ها به عنوان یکی از عوامل اصلی بهبود عملکرد مالی شرکت مورد تأیید قرار گرفته است. از طرفی، رسوایی شرکت‌ها در سراسر جهان منجر به تأکید بیشتر بر ضرورت ارتقا و اصلاح سیستم حاکمیت شرکتی در سطح بین‌المللی شده و اهمیت موضوع از آنجاست که می‌توان گفت حاکمیت شرکتی در هر کشوری تابعی از متغیرهای مخصوص آن جامعه است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی و تعیین ابعاد و مؤلفه‌های مورد نیاز جهت تدوین الگوی حاکمیت شرکتی است که منطبق بر اصول و موازین اقتصاد اسلامی باشد؛ از این رو کلیه منابع موجود فارسی و انگلیسی مرتبط به بحث حاکمیت شرکتی تا سال ۱۳۹۹ (۲۰۲۱) مطالعه شده است. به این منظور برای بررسی منابع از تکنیک فراترکیب و به روش هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و بارسو با استفاده از کدگذاری ابعاد و مؤلفه‌ها استفاده شده است؛ بنابراین پس از بررسی نظام‌مند متون و انتخاب منابع مرتبط با استفاده از شاخص (CAPA)، در نظر قراردادن الگوهای بین‌المللی حاکمیت شرکتی و مطابقت آنها با اصول و موازین اسلامی، ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی شناسایی و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی از منظر اصول اسلامی معرفی گردیده است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده اثرگذاری ابعاد تعهد اجتماعی، پاسخگویی، شفافیت و تصمیم‌گیری است که در صورت رعایت اصول اخلاقی مورد نظر با استفاده از نظارت اسلامی، اهداف حاکمیت شرکتی بهینه و مطلوب را تضمین می‌کند.

واژگان کلیدی: ابعاد حاکمیت شرکتی، اقتصاد اسلامی، حاکمیت شرکتی اسلامی، فراترکیب.

طبقه‌بندی JEL: G34, G38, C54.

*. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: younesabasi@pnu.ac.ir.

** استادیار، گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: jamshidinavid@gmail.com.

*** استادیار، گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

Email: mehrdadghanbary@yahoo.com.

**** استادیار، گروه مدیریت، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

Email: farshidnamamian@gmail.com.

مقدمه

حاکمیت شرکتی در دوران معاصر با رشد و توسعه شرکت‌ها در اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور اهمیت بیشتری پیدا کرده و تقریباً توسط همه جوامع تجاری و شرکت‌ها به عنوان عامل اصلی بهبود عملکرد مالی شرکت تأیید شده است (Muhammad et al, 2021,) و در حال حاضر در کشورهای مختلف همانند ایالات متحده و اروپا و نیز کشورهای آسیایی مطالعه شده که عمدتاً بر رابطه بین ساختار مالکیت، ترکیب هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت متمرکز هستند (Manogna and Thompson-Mishra, 2021, p.79/ and Manu, 2021, p.44). رسوایی‌های اخیر شرکت‌ها در سراسر جهان و بحران آسیای شرقی به علت حاکمیت شرکتی «بد» است همراه با عملکرد ضعیف بسیاری از شرکت‌ها در آفریقا که منجر به (Ozil, 2021, p.17) تأکید بیشتر بر ضرورت ارتقا و اصلاح سیستم حاکمیت شرکتی در سطح بین‌المللی شده است (حساس یگانه، ۱۳۹۵، ص ۴۲). رسوایی شرکت‌هایی مانند انرون (Enron) و ورلدکام (WorldCom) در اوج شکوفایی اقتصادی، سبب سلب اعتماد سهامداران سراسر جهان نسبت به حاکمیت شرکتی، خصوصاً با مدل آنگلو ساکسونی (Anglo-Saxon) گردید تا جایی که *دواردز* (Edwards, 2003) با تردید به اصلاحات قوانین حاکمیت شرکتی نگریسته و آن را ناکارآمد تلقی کرده است. با این تفاسیر در دنیا دو الگوی پیاده‌سازی شده به نوعی سر طیف نظام‌های حاکمیت شرکتی موجود محسوب می‌شوند (حساس یگانه، ۱۳۸۴، ص ۱۰-۱۴) که عبارت‌اند از: الگوی آنگلو ساکسون و الگوی اروپایی.

با این توصیف از الگوهای موجود و شرایط ساختاری نظام حاکمیت شرکتی شرکت‌ها در هر کشوری که اثرپذیری بسیاری از مقررات وضع شده در قانون تجارت، اوضاع فرهنگی و سیاسی و اجتماعی موجود دارد و همچنین نحوه تعامل و تقابل با جامعه جهانی، پابندی به الگوهایی ثابت با ابعادی پیش‌ساخته نمی‌تواند راهنمای مناسب برای هدایت و کنترل شرکت‌ها باشد و علاوه بر آن به اعتقاد ویلیام لازونیک (William Lazonick) مدل آنگلو ساکسونی با تحریک مدیران شرکت‌ها آنها را وادار به دستکاری سود می‌نماید و یا اینکه مدل آلمانی هنوز به منطبق معتبری در حمایت از حقوق ذینفعان دست پیدا نکرده است (Uddin, 2018).

در نظام اقتصادی اسلامی ذی‌حق اصلی خود اسلام است که به دنبال حمایت از حقوق تمامی ذینفعان بوده و نظام اقتصاد اسلامی همواره به تشویق تجارت در چارچوب شرع و گفتارهای خداوند و وحی به پیامبر ﷺ پرداخته است (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۹۲/ Lewis, 2005, pp.21-23).

بنابراین با وجود علاقه وافر به عنوان‌های حاکمیت شرکتی که اخیراً توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک توسعه اسلامی صورت پذیرفته است، بیان و روش واحدی در کشورهای اسلامی وجود ندارد تا معنی دقیق حاکمیت شرکتی را تبیین و تفسیر کند. بروز دیدگاه‌های متفاوت و مختلف در این زمینه، تعاریف متعددی را عرضه نموده که با وجود این، به نظر می‌رسد حاکمیت شرکتی در قوانین اسلامی رهنمودهای وسیع‌تری را ارائه می‌دهد و وظایف و شیوه‌های موجود را در مورد روش‌های انجام معاملات اقتصادی برای هدایت اخلاقی مسلمانان، بدون هرگونه تعریفی از حاکمیت شرکتی دنیای مدرن، در بر می‌گیرد (مظلوم و مخملباف، ۱۳۹۶، ص ۸-۹).

در محیط اقتصادی منشعب از اصول تجارت اسلامی ایران، حاکمیت شرکتی یک مفهوم برگرفته از اصول و الگوهای موجود بین‌المللی تصور می‌شود که در آن قوانین تجارت اسلامی با ساختاری متشکل از اصول و مبانی اخلاقی و عدالت‌محور با نظارتی اسلامی و در جهت پاسخگویی به مالک اصلی (خداوند) و کلیه ذینفعان نادیده گرفته شده است که با توجه به ترجمه‌ای بودن متون مرتبط با حاکمیت شرکتی بدون لحاظ نمودن بسترهای مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران، برخلاف انتظارات نمی‌توانند مشکلات نمایندگی را در ایران کاهش دهند (نمازی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۴۴-۴۶).

به‌طور کلی بر اساس موارد پیش‌گفته ضرورت نگرشی جامع و نظام‌مند به موضوع حاکمیت شرکتی در اقتصاد اسلامی بسیار دارای اهمیت است؛ اما تاکنون پژوهشی جامع که به مقایسه کلی الگوهای بین‌المللی پرداخته و آن را با اصول و موازین اسلامی مطابقت نموده و ابعاد اسلامی حاکمیت شرکتی را با ابعاد الگوهای بین‌المللی تلفیق کرده و الگوی واحدی را ترسیم نماید انجام نشده و به پژوهش‌های جزیره‌ای و محدود اکتفا شده است؛ لذا این پژوهش وضعیت فعلی حاکمیت شرکتی در ایران و الگوهای بین‌المللی را با استفاده از روش نوین فراترکیب بررسی می‌کند و با ارائه مدلی تلفیقی و جامع، از الگوهای

بین‌المللی موجود و شاخص‌ها و ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی جهت کاربرد در اقتصاد و شرکت‌های تجاری کشورهای اسلامی از جمله ایران، در جهت کاهش هزینه‌های تئوری نمایندگی و هم‌راستایی منافع مدیران و ذینفعان می‌پردازد.

۱. مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

الف) حاکمیت شرکتی

مفهوم حکمرانی به اندازه تمدن بشری دارای قدمت است؛ درحالی‌که اخیراً استفاده از اصطلاح حاکمیت شرکتی بسیار متنوع شده و شامل مجموعه‌ای از روابط متقابل بین ذینفعان سازمان است که در هر کشوری به عوامل مختلف بومی مانند چارچوب قانونی، چارچوب نظارتی، الگوی سهامداری، وسعت و عمق بازارهای مالی بستگی دارد (Aziz, 2021, p.42).

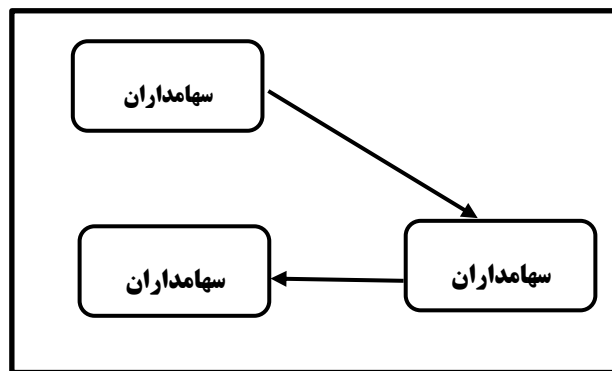
در حال حاضر تعاریف متعدد و متنوعی در زمینه حاکمیت شرکتی در دست است که از نظر معیارها و شاخص‌های تئوریک برخی مشابهت‌ها و تضادها دیده می‌شود؛ برای مثال می‌توان به تعریف مؤسسه بین‌المللی پایداری و مسئولیت‌پذیری شرکتی (IICSR) (۲۰۱۷) اشاره کرد: «رویه‌های حاکمیت شرکتی تلاشی است برای تعادل بین تضاد منافع مدیران و مالکین و ایجاد مکانیزم کنترلی برای افزایش ارزش سهام و رضایت ذینفعان». از منظر فدراسیون بین‌المللی حسابداران (۲۰۰۴)، اصول حاکمیت شرکتی موجب دستیابی شرکت به اهداف تعیین‌شده، کنترل ریسک و مصرف بهینه منابع می‌گردد. در جایی که کادبری (Cadbury, 1992) حاکمیت شرکتی را به عنوان سیستمی تعریف نموده که موجب هدایت و کنترل شرکت‌ها می‌گردد و بر شفافیت، درستکاری و پاسخگویی مدیران ارشد تمرکز کرده است. تعاریف ارائه‌شده برای حاکمیت شرکتی متنوع است. عمده‌ترین عامل متمایزکننده این تعاریف را می‌توان پهنه یا گستره شمول راهبری شرکتی دانست. از یک منظر می‌توان این نظام را رابطه «مدیران» با «سهامداران» دانست که مبنای نظری آن «تئوری نمایندگی» در شکل محدود خود است.

جدول ۱: تعاریف حاکمیت شرکتی

تعریف کننده	سال تعریف	شرح تعریف
IICSR	۲۰۱۷	رویه‌های حاکمیت شرکتی تلاشی است برای تعادل بین تضاد منافع مدیران و مالکین و ایجاد مکانیزم کنترلی برای افزایش ارزش سهامداران و رضایت ذینفعان.
سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	۲۰۰۴	حاکمیت شرکتی را مجموعه‌ای شامل روابط بین مدیران اجرایی، اعضای هیئت‌مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان شرکت در نظر می‌گیرد.
فدراسیون بین‌المللی حسابداران	۲۰۰۴	حاکمیت شرکتی شیوه‌های به کار گرفته شده توسط مدیران شرکت با هدف تعیین استراتژی‌هایی است که موجب دستیابی شرکت به اهداف تعیین شده، کنترل ریسک و مصرف بهینه منابع می‌شود.
بانک جهانی	۲۰۰۱	حاکمیت شرکتی وسیله‌ای برای برقراری تعادل بین اهداف اقتصادی و اجتماعی و نیز اهداف فردی و عمومی است و هدف اصلی آن نزدیک‌نمودن منافع شرکت، افراد (ذینفع) و جامعه تا حد ممکن به همدیگر است.
کادبری	۱۹۹۲	حاکمیت شرکتی سیستمی است که موجب هدایت و کنترل شرکت‌ها می‌گردد و تمرکز اصلی آن بر ایفای وظیفه مدیران ارشد سازمانی در رعایت اصول شفافیت، درستکاری و پاسخگویی است.
حساس یگانه و خیرالهی	۱۳۸۵	حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از ابزارهای هدایت و کنترل است که با استفاده از قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌ها، موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود.
هرورانی	۱۳۹۲	حاکمیت شرکتی، مجموعه‌ای از نظام‌ها، فرایندها و ساختارهایی است که به دنبال اطمینان از رعایت حقوق ذینفعان، پاسخگویی، شفافیت و عدالت در واحدهای تجاری است.

ب) مکانیزم و الگوهای حاکمیت شرکتی

در سراسر جهان افراد زیادی سعی در ارائه مدلی ثابت و استاندارد با مکانیزم‌های مشخص برای حاکمیت شرکتی داشته‌اند و مدل‌های جامعی نیز ارائه شده است؛ اما سیستم حاکمیت شرکتی مانند سایر مسائل اجتماعی ماهیت پویا و متحرک دارد. اگر شرکتی بخواهد به موفقیت برسد، یکی از ابزارهای ضروری، اصلاح سیستم حاکمیت شرکتی است (مشایخی و جلالی، ۱۳۹۱، ص ۵۲).



شکل ۱: مدل آنگلساکسون (همت‌فر و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸)

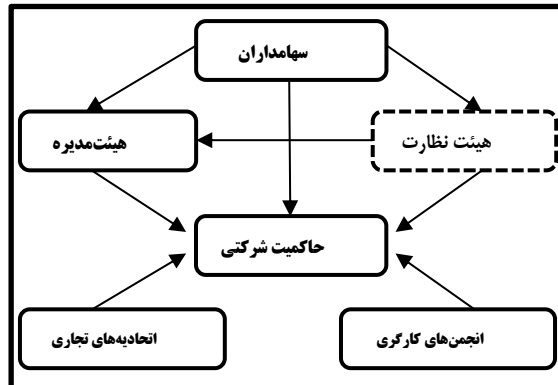
مدل آنگلساکسون (Anglo-Saxon)، آنگلو امریکن (Anglo-American)، نظام بازار محور و یا نظام سهامداران ارزشمند، به عنوان مدل اصلی حاکمیت شرکتی نیز شناخته می‌شود و یکی از مدل‌هایی است که در کشورهایی مانند انگلستان و ایالات متحده آمریکا استفاده شده و بیشترین توجه به آن معطوف است. در سنت آنگلساکسون، مفهوم شرکت بر مبنای روابط بین سهامداران و مدیران استوار است. در این مدل هیئت‌مدیره، مدیران اجرایی و سهامداران ذینفعان اصلی محسوب می‌شوند که در قالب اقتصاد بازار آزاد توسعه یافته است و اولویت اصلی حاکمیت شرکتی در نظام آنگلساکسون حمایت از حقوق و منافع سهامداران است و به واسطه به‌کارگیری در کشورهای دیگر از جمله استرالیا، نیوزلند، کانادا، آفریقای جنوبی و اغلب کشورهای آسیای جنوب شرقی مورد حمایت قرار گرفته است (همت‌فر و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸).

۲) مدل اروپایی

مدل حاکمیت شرکتی اروپایی، یک سیستم نظارت و کنترل متداول بر شرکت‌ها در اروپا و ژاپن است که در متون به مدل آلمانی و مدل ژاپنی تقسیم‌بندی شده است. اصل اساسی که

سیستم حاکمیت شرکتی اروپایی (Continental) بر آن استوار شده،

در نظریه ذینفعان مجسم شده و این الگو به عنوان الگوی ذینفعان نیز شناخته شده است. در مدل آلمانی بر اساس یک اصل دولایه، یک هیئت‌مدیره و یک هیئت



شکل ۲: مدل اروپایی (Mostepaniuk, 2017, p.11)

نظارت فعالیت می‌کند که سهامداران و کارکنان نیز در

هیئت نظارت دارای نماینده هستند و مشتمل بر منافع شرکت‌ها، بانک‌ها و سهامداران در نظام حاکمیت شرکتی است (Mostepaniuk, 2017, p.11).

اما در مدل ژاپنی انجام ادغام‌های مالی و صنعتی رایج است. در مدل ژاپنی حاکمیت شرکتی، شرکت‌ها دارای یک هیئت‌مدیره واحد بوده و هیچ عضو هیئت‌مدیره خارجی ندارند و هیئت‌مدیره متشکل از نمایندگان شرکت و سهامداران اصلی است و دولت نیز نقش مهمی در مدیریت شرکت‌ها دارد؛ بنابراین برخلاف مدل آنگلوساکسون هدایت شرکت توسط افرادی بیرون از شرکت چندان مرسوم نیست (مشایخی و شاکری، ۱۳۹۵، ص ۳۳).

ج) اقتصاد اسلامی

نظام اقتصادی عبارت از مجموعه مرتبط و منظم عناصری است که به منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف برای کسب بیشترین موفقیت فعالیت می‌کند (نمازی، ۱۳۸۲، ص ۲۹). وظیفه هر نظام ایجاد هماهنگی و توازن میان نهادهای مختلف برای حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب است. اقتصاد اسلامی با استفاده از ابزارهای علم اقتصاد و نهادها، در خدمت مکتب یا همان اهداف نظام اسلامی است. مسئولیت نظام

اقتصادی (اقتصاد ملی یا همان اقتصاد اسلامی در نظام اسلامی) و اداره اقتصاد جامعه بر عهده حاکمیت و هدف عالی یا اصلی نظام اقتصاد اسلامی در سطح کلان افزایش ثروت افراد جامعه و «رفاه عمومی» در چارچوب تعالیم دینی است (اسدی، ۱۳۹۳، ص ۲۸-۳۰)؛ یعنی تا جایی که شرع اجازه می‌دهد؛ لذا بهره‌گیری از دنیا و منابع آن در صورتی که موجب فراموشی آخرت و شیفتگی و اطمینان به دنیا نگردد، مطلوب است: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غٰفِلُونَ» * أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ مِنَ النَّارِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یونس: ۷-۸). طرفداران این نظام به‌طور کلی اقتصاد اسلامی را به صورت نه سوسیالیستی و نه سرمایه‌داری، بلکه به عنوان یک «راه سوم» و جایگزین توصیف می‌کنند؛ طریقی ایدئال که هیچ‌کدام از معایب دو سیستم دیگر را ندارد و از پشتوانه قدرتمند قرآن و احادیث و روایات وارده برخوردار است. این منابع چارچوب قانونی و نهادهای اجتماعی را که رفتار اقتصادی در درون آنها شکل می‌گیرد، وضع می‌کنند؛ لذا اقتصاد اسلامی را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: «اقتصاد اسلامی دانشی است مبتنی بر مبانی، پیش‌فرض‌ها یا ادعاهای ارزشی اسلام که با طراحی نظام تأمین‌کننده این ارزش‌ها و تحلیل رفتار عاملان اقتصادی، سیاست‌های لازم را جهت تحقق ارزش‌های اسلامی در جامعه تدوین می‌نماید و زمینه را برای نیل افراد جامعه به کمالات انسانی فراهم می‌سازد» (توکی و رفیعی پیشوری، ۱۳۹۹، ص ۶)؛ از این‌رو زیرشاخه «علم اقتصاد اسلامی» سه وظیفه مهم را انجام می‌دهد:

۱. مطالعه وضع مطلوب نظام اقتصادی از دیدگاه خرد و کلان و فهم نهادها، فرایندها و سازوکارهای دستیابی به اهداف در این نظام و تشخیص تفاوت‌ها و امتیازهای آن با سایر نظام‌ها؛
۲. مطالعه و بررسی وضع موجود نظام اقتصادی جامعه، آسیب‌شناسی و تشخیص فاصله نظام موجود با نظام مطلوب؛
۳. ارائه‌نمودن راه‌حلی در راستای تغییر نظام موجود و تبدیل آن به نظام مطلوب (جهانیان، ۱۴۰۰، ص ۱۴).

۲. مفهوم حاکمیت شرکتي در اسلام

پاول پروسر (Paul Pruyser) نیز عقیده دارد که مذهب بر ادراک فرایندهای عقلی، تفکر، کنش‌های زبانی، هیجان، رفتار حرکتی، روابط بین شخصی و رابطه فرد با اشیا، عقاید و خود تأثیر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد. شرع اسلام نه تنها آئین‌های مذهبی را در بر می‌گیرد، بلکه جنبه‌های بسیاری از زندگی روزمره، سیاست، اقتصاد، بانکداری، تجارت و بازرگانی، قانون تجارت و قراردادهای و موضوعات اجتماعی را نیز پوشش می‌دهد (Wikipedia, 2005).

در زمینه اسلامی کردن علوم باید از هرگونه افراط و تفریط دوری جست و نباید تصور کرد علم اسلامی، یعنی فیزیک و شیمی اسلامی، تافته‌ای جداافتاده از علوم طبیعی رایج است. ایده اسلامی کردن علوم در نتیجه آشتی دادن علم با دین و رفع غفلت از جایگاه عقل در هندسه معرفت دینی و برطرف کردن بیگانگی و فاصله‌ای که به نادرست میان علم و دین برقرار شده، حاصل می‌آید. علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد، به‌ناچار اسلامی و دینی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳).

خداوند در قرآن، از آفرینش انسان به عنوان خلیفه خود یاد کرده (بقره: ۳۰) و آدمی را به خاطر برخورداری از چنین مقامی به عنوان برترین آفریده معرفی می‌کند (مؤمنون: ۱۴).

نامه ۲۶ امام علی علیه السلام در خصوص امانتداری انسان و نحوه تعامل با این وظیفه است که می‌فرماید: «کسی که امانت الهی را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده، در قیامت هم خوارتر و رسواتر خواهد بود». مدیریت در اسلام به منزله سپردن امانتی بسیار سنگین به مدیر است که باید آن را حفظ کند و خیانت در آن، خیانت در امانت تلقی شده است. از طرف دیگر، نظارت بر فعالیت‌های مالی در جهت حلال نیز در نگرش اقتصادی اسلام همواره در کانون توجه قرار داشته است؛ همانند ربا، قمار، معاملات حرام و موارد متعدد دیگر که در اقتصاد غیراسلامی و حاکمیت شرکتي رایج (آنگلوساکسونی و اروپایی) به آن بی‌توجهی شده است. در تفکر اسلامی غیر از سود و یا زیان بحث فلاح و خسران نیز مطرح است؛ بحثی که در الگوهای بین‌المللی حاکمیت شرکتي مورد بی‌مهری قرار گرفته و از منظر اقتصاد اسلامی اهمیتی به مراتب بیشتر از کسب سود و یا حداکثر نمودن ثروت سهامداران دارد.

حاکمیت شرکتی در اسلام و غرب، نقش بسیار حیاتی در راستای تأمین اهداف خاص شرکت‌ها ایفا می‌کند. در حقیقت اسلام ارزش‌های آتی را از طریق تأکید بر عنصر شریعت که در مفاهیم غربی یافت نمی‌شود، افزایش می‌دهد. مفهوم حاکمیت شرکتی از دیدگاه اسلامی با تعریف مرسوم آن تفاوت زیادی نداشته و در نمونه اسلامی، ویژگی‌ها و شاخص‌های متمایزی را در مقایسه با سیستم‌های رایج بین‌المللی ارائه می‌کند؛ به نحوی که به موردی خاص از یک نظریه وسیع‌تر تصمیم‌گیری اشاره دارد که از مفروضات اجتماعی - علمی آموزه‌های اسلامی که بر مبنای وحدانیت خداوند بنا شده، بهره می‌برد (Chitnomrath et all, 2011, p.25).

در خصوص خدمات مالی، هدف غایی حاکمیت شرکتی در اسلام نه تنها کسب اطمینان از بی‌طرفی در برابر سهامداران است، بلکه گستره ذینفعان را نیز برای رسیدن به شفافیت و پاسخگویی بیشتر شامل شده و در دیدگاهی وسیع، غالباً تمامی اشخاصی را در بر می‌گیرد که به نحوی با شرکت در ارتباطاند (khalifa, 2008, p.2)؛ از این رو آنچه در اسلام بیشتر مدنظر قرار دارد موضوع پاسخ‌گویی وسیع در برابر ذینفعان با یک دیدگاه مکتبی است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۸۵). در خصوص ساختار و اساس نظام و مدل حاکمیت شرکتی در مبانی اسلامی تحقیقات بسیار محدود بوده و حتی دیدگاه واحدی در کشورهای اسلامی وجود ندارد تا معنی دقیق حاکمیت شرکتی اسلامی را تبیین کند؛ لذا مشاهده می‌گردد که هدف اصلی در شرکت‌های اسلامی ایجاد حداکثرسازی سود سهامداران است و دلالت بر این واقعیت دارد که شرکت‌های اسلامی الگوی آنگلو ساکسون حاکمیت شرکتی را استفاده می‌کنند (Lim, 2014, p.31/ Hasan, 2009, p.287)؛ در حالی که قوانین اسلامی برای حاکمیت شرکتی رهنمودهای بیشتر و وسیع‌تری را در اختیار قرار می‌دهد و همچنین وظایف و شیوه‌های موجود را در خصوص شیوه‌های انجام معاملات اقتصادی برای هدایت اخلاقی مسلمانان در بر می‌گیرد.

۳. پیشینه پژوهش

علی و خان (Ali & Khan, 2021, pp.25-35) در پژوهشی با عنوان «حکومت شریعت، راه حلی برای مشکل حاکمیت شرکتی» اظهار می‌کند که حکومت شریعت، مسئولیت‌پذیری را

در بین ذینفعان یک سازمان تشویق می‌کند و هیئت شرعی نقش بسیار مهمی در کنترل و نظارت بر معاملات تجاری با هدف انطباق شرعی دارد؛ اگرچه قوانین اسلامی را نمی‌توان در همه کشورها یکسان اجرا کرد. *مخلصین و نوفیانتی (Mukhlisin and Nofianti, 2019, p.12)* به نقش حسابداری و حاکمیت شرعی خوب در مؤسسات مالی اسلامی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که مؤسسات مالی اسلامی یک الگوی متفاوت از مؤسسات متعارف ارائه می‌دهند. از دیدگاه مدیریت شرعی، چندین ویژگی جالب توجه را شامل می‌شود؛ زیرا مشارکت سهام عدالت و ترتیب تقسیم سود و زیان، پایه و اساس بودجه اسلامی را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین باید تلاش‌هایی هماهنگ برای بازنگری در استانداردهای خوب فعلی حسابداری برای مؤسسات مالی اسلامی انجام شود.

منصور و بهتی (Mansour and Bhatti, 2018, pp.513-523) در پژوهش خود با عنوان «الگوی جدید از حاکمیت شرعی اسلامی» معتقدند که حاکمیت شرعی اسلامی برای بهبود منافع ذینفعان و دستیابی به بهترین شیوه‌های تجاری صنعت مالی اسلامی و نیز در جهت تأمین نیاز سرمایه‌گذاران و رفاه اجتماعی سرگردان، باید دارای یک الگوی جدید و چندجانبه باشد و در همین راستا، *حسن (Hasan, 2009, pp.273-293)* اظهار می‌کند که الگوی حاکمیت شرعی اسلامی دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد است و در مقایسه با مفهوم غربی مدل‌های آنگلو ساکسون و اروپایی ویژگی‌های متمایز را ارائه می‌دهد و اهداف خاص خود را بدون نادیده گرفتن وظیفه رفاه و سعادت اجتماعی حفظ و برقرار می‌کند.

حسینی و همکاران (۱۴۰۰، ص ۱۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ادراکات دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی درباره رویه‌های حاکمیت شرعی» نتیجه گرفتند که حاکمیت شرعی، سیستم حاکمیت شرعی اسلامی است که جهت حصول اطمینان از انطباق فعالیت‌های مؤسسات مالی اسلامی با قوانین شرعی طراحی گردیده و نظارت شرعی یکی از مهم‌ترین اجزای سیستم حاکمیت شرعی است که توسط کمیته فقهی انجام می‌شود. حاکمیت شرعی ابزار اصلی اطمینان‌بخشی نسبت به اجرای قوانین شرعی و نظارت بر عملکرد مؤسسات مالی اسلامی است که به‌طور پیوسته انطباق شرعی را در این مؤسسات تضمین می‌کند و همین امر می‌تواند عدالت و رفاه اجتماعی را در پی داشته باشد.

طاهری و امینی (۱۳۹۹، ص ۱۶) در پژوهشی با عنوان «نقش حاکمیت شرکتی در مدیریت ذینفعان در بانکداری اسلامی» به این نتیجه رسیدند که حاکمیت شرکتی همسویی منافع بین مدیران و سهامداران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. مبتنی بر متون اسلامی هدف حاکمیت شرکتی مبتنی بر رعایت حقوق تمامی ذینفعان و رعایت اصولی توازن بین حقوق برابر سهامداران و سایر ذینفعان مطرح است؛ لذا صادقی‌پور و همکاران (۱۳۹۶، ص ۱۹۱-۱۹۲) عقیده دارند که در اقتصاد شرکت پایه امروزی انجام فرایند سرمایه‌گذاری و کسب سود با استفاده از سرمایه پاک موجب می‌شود صاحب سرمایه بتواند در سودهای حاصله، تصرف حلال نماید و این به نوبه خود آثار فردی و اجتماعی به همراه خواهد داشت. انجام فرایند پاک‌سازی سرمایه با استفاده از ابزارهای نظارتی و هدایت‌گر راهبری شرکتی و طراحی سازوکار هیئت نظارت شرعی امکان‌پذیر است؛ بنابراین برای تدوین یک نظام حاکمیت شرکتی مطلوب توجه به عوامل داخلی و بیرونی و نیز شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر کشور ضروری به نظر می‌رسد. از آنجایی که ایران یک کشور اسلامی است، بهتر است که توجه به مؤلفه‌های نظری اسلامی که به‌وضوح در آیات قرآن قابل مشاهده است؛ در تدوین آیین‌نامه‌ها و قوانین راهبری مدنظر قرار گیرد (صراف و محمدی، ۱۳۹۵، ص ۶۶)؛ از این رو حاکمیت شرکتی یکی از عناصر حیاتی توسعه شرکت‌های سهامی محسوب می‌شود. هرچند بر سر حاکمیت شرکتی و تعاریف آن هنوز اجماعی وجود ندارد، اما می‌توان ادعا کرد تعریف حاکمیت شرکتی مبتنی بر شریعت، ابعاد وسیعی از ذینفعان را بر اساس الگویی اخلاقی در بر می‌گیرد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۸۱).

۴. روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش

فرامطالعه (Meta-Study)، یکی از روش‌هایی است که به منظور بررسی، ترکیب و تحلیل پژوهش‌های گذشته در سال‌های اخیر استفاده شده است. فرامطالعه به تجزیه و تحلیل عمیق کارهای پژوهشی انجام‌شده در یک حوزه خاص می‌پردازد و با توجه به نیازمندی تحقیق، بر چهار حوزه «فراروش (Meta-Method)، فرانظریه (Meta-Theory)، فراتحلیل (Meta-Analysis) و فراترکیب (Meta-Synthesis)» دلالت دارد. فراتحلیل به شکلی ویژه بر مطالعات کمی پیشین تمرکز دارد. این روش اگر به صورت کیفی انجام گیرد و مفاهیم و

نتایج مورد استفاده در مطالعات پیشین با شیوه کدگذاری متداول در پژوهش‌های کیفی مثل نظریه برخاسته از داده‌ها را مورد بررسی قرار دهد، به نام فراترکیب شناخته می‌شود (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰). از طرفی روش تحلیل مضمون (Thematic analysis) نیز گاهی با تحلیل محتوا اشتباه گرفته می‌شود و یکی از روش‌های ساده و کارآمد در روش تحقیق کیفی است؛ اما تحلیل مضمون شیوه‌ای در روش پژوهش کیفی است که بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوی معانی داده‌های کیفی تمرکز دارد. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است و از قابلیت تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی برخوردار است؛ لذا فراترکیب، مرور یکپارچه ادبیات کیفی موضوع مورد نظر نیست؛ همچنین تجزیه و تحلیل داده ثانویه و داده اصلی از پژوهش‌های منتخب نیز نیست، بلکه تحلیل یافته‌های این پژوهش‌هاست. به عبارتی، فراترکیب، ترکیب و تفسیر تفسیرهای داده‌های اصلی مطالعه‌های منتخب است (کمالی، ۱۳۹۶).

این پژوهش روش فراترکیب را استفاده کرده است. استفاده از روش فراترکیب در شناسایی الگوی حاکمیت شرکتی در اقتصاد با محوریت اسلامی به این صورت است که با استفاده از روش بررسی ادبیات، کتب و مجلات یا مقالاتی با محوریت حاکمیت شرکتی اسلامی و مباحث تحقیقاتی درباره آن را به منظور دستیابی به یافته‌های جدید یکپارچه سازی نموده است؛ لذا از آنجایی که اغلب مطالعات حوزه حاکمیت شرکتی از نوع کیفی هستند، استفاده از روش نوین فراترکیب، روشی مناسب برای دسترسی به ترکیبی جامع از مطالعات است.

فراترکیب، یکپارچه‌سازی تفسیر یافته‌های اصلی مطالعات منتخب به منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری است که حاکی از فهم عمیق پژوهشگر در این باب است (عرب و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۲)؛ یعنی به جای ارائه خلاصه جامعی از یافته‌ها، یک ترکیب تفسیری از یافته‌ها را ایجاد می‌کند و با فراهم کردن نگرشی نظام‌مند برای پژوهشگران از طریق ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف، به کشف موضوع‌ها و استعاره‌های جدید پرداخته و با این روش یک دید جامع و جدید نسبت به مسائل به وجود می‌آورد؛ از این رو محقق به منظور تحقق هدف مقاله پژوهش‌های گذشته در حوزه حاکمیت شرکتی و حاکمیت شرکتی اسلامی در ایران و جهان را بررسی کرده است و برای بهره‌گیری از روش فراترکیب، از

روش هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو (Sandelowski, & Barros, 2007, p.199) بهره گرفته شده است که خلاصه مراحل در جدول شماره (۲) نشان داده شده است.

گام اول: تنظیم سؤال پژوهش

جدول ۲: مراحل روش فراترکیب

۱	• ارائه و تنظیم سؤال پژوهش
۲	• مرور نظام‌مند ادبیات موضوع
۳	• جست‌وجو و انتخاب متون همسو
۴	• استخراج اطلاعات
۵	• تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌ها
۶	• کنترل کیفیت
۷	• ارائه یافته‌ها

گام اول تنظیم سؤال پژوهش است. به این منظور از پارامترهای گوناگونی مانند جامعه مورد پژوهش، چه چیزی، چه موقع و چگونگی روش استفاده می‌گردد. در این پژوهش، سؤالات زیر مورد بررسی قرار گرفت:

۱. چه چیزی: پاسخ به این سؤال بایستی در جواب سؤال چه چیزی را می‌خواهید بررسی کنید؟ ارائه شود که در این پژوهش پاسخ، شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی است.

۲. چه کسی: این سؤال جامعه مورد مطالعه را هدف قرار داده و پایگاه‌های اسنادی معتبر، مجلات علمی - پژوهشی، کنفرانس‌های علمی و موتورهای جست‌وجو را بررسی کرده است و در واقع جامعه آماری پژوهش کلیه منابع موجود بوده است. چگونگی: این سؤال اشاره به روشی است که برای حصول نتیجه استفاده شده است. در این پژوهش روش تحلیل اسنادی (فراترکیب) استفاده شده که در این روش نوین، پژوهشگر با مطالعه دقیق و نظام‌مند و مرور چندباره منابع مورد نظر به نتیجه لازم و کفایت

نظری می‌رسد؛ لذا سؤال پژوهش بر اساس موارد مذکور به این شرح تدوین شده است که «الگوی حاکمیت شرکتی در اقتصاد اسلامی کدام است؟».

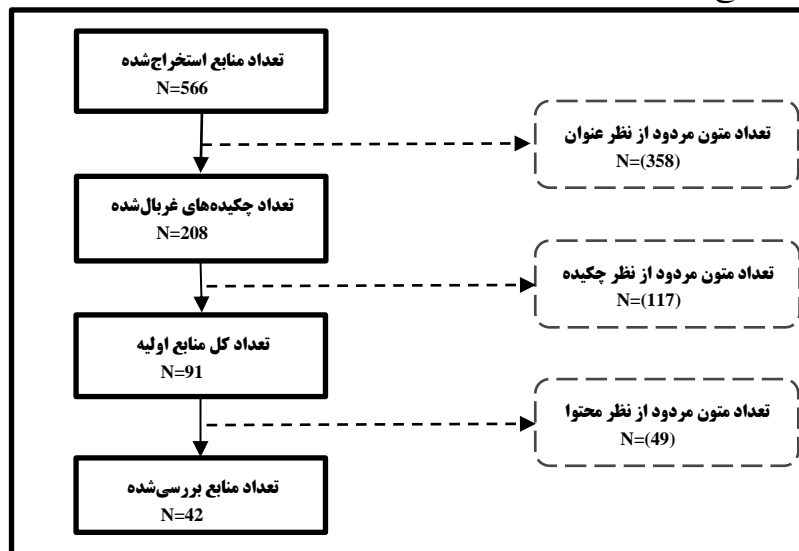
گام دوم: مرور نظام‌مند ادبیات موضوع

در گام دوم پژوهشگر به جست‌وجوی سیستماتیک مقالات منتشرشده در منابع با هدف تعیین اسناد معتبر، موثق و مرتبط می‌پردازد. با توجه به کلمات کلیدی همچون «حاکمیت شرکتی، راهبری شرکتی، حاکمیت شرکتی اسلامی، رویکرد اسلامی در شرکت‌ها، حاکمیت شرکت‌ها در اسلام، اقتصاد اسلامی، نقش اسلام در اقتصاد، مبانی اقتصادی اسلام و ...»، «Shari'ah board, Accountability in the Quran, Islamic Corporate Governance, Principles of Shari'ah, Definitions of corporate governance, corporate governance structure, Islamic ... economics, the role of Islam in economics, economic foundations of Islam

پژوهشگر اقدام به جست‌وجو در منابع و پایگاه‌های داده زیر نموده است:

- ELSEVIER, EMERALD, IEEE, SCIENCEDIRECT, AAA
- نورمگز، سیویلیکا، ایران داک، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پرتال جامع علوم انسانی.

لذا ۵۶۶ منبع استحصال گردید که در مراحل بعد پژوهشگر آنها را بررسی کرده است.



شکل ۳: فرایند انتخاب منابع

گام سوم: جست‌وجو و انتخاب متون همسو

گام سوم به بررسی و جست‌وجو در منابع و نهایتاً گزینش منابع مناسب و رد منابع نامربوط می‌پردازد که در اینجا پژوهشگر موظف به بررسی چندین باره متون و غربال‌گری آنهاست که به شرح شکل بالا انجام پذیرفته است. منابع باقی‌مانده از نظر محتوا مطالعه و بررسی شد تا کیفیت روش‌شناختی منابع را مورد ارزیابی قرار دهد؛ از این رو پس از مطالعه هر کدام از منابع بر اساس معیار CASP (برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی) امتیازی به منابع مورد نظر تعلق خواهد گرفت. با استفاده از برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی ۱۰ شرط کیفی، هر مقاله به لحاظ کیفی ارزیابی شده و به ازای هر سؤال امتیازی بین عدد ۱ تا ۵ به سؤال مربوطه تعلق می‌گیرد. مقالاتی که مجموع امتیازات مکتسبه آنها از مجموع ۱۰ سؤال، ۳۱ و بالاتر شود به لحاظ کیفی تأیید و باقی‌مقالات حذف خواهند شد. در این تحقیق امتیازدهی به شکل پنج طبقه و امتیازی بین «۰» تا «۵۰» را بر مبنای مقیاس «روبریک» (Rubric) به آن متن نسبت می‌دهد؛ بنابراین منابع منتخب جهت امتیازدهی بر اساس مقیاس روبریک در اختیار تعداد ۲۵ نفر از خبرگان قرار داده شده که منابع نهایی پژوهش به شرح جدول (۳) آورده شده است.

جدول ۳: مقیاس روبریک در انتخاب منابع

(۱۰-۰)	(۲۰-۱۱)	(۳۰-۲۱)	(۴۰-۳۱)	(۵۰-۴۱)
ضعیف	متوسط	خوب	خیلی خوب	عالی
P	F	G	WG	E
۰	۰	۶	۱۴	۲۲
-	-	نتیجه: رد	نتیجه: قبول	نتیجه: قبول

از مجموع ۴۲ منبع انتخاب‌شده بنا بر نظر خبرگان ۲۲ منبع با درجه عالی و ۱۴ منبع با درجه خیلی خوب جمعاً به تعداد ۳۶ مقاله مورد پذیرش قرار گرفته و تعداد ۶ منبع نیز که حائز امتیازات لازم نشده بود با درجه خوب مورد پذیرش قرار نگرفته است.

گام چهارم: استخراج اطلاعات

در گام چهارم فراترکیب، منابع مختلف مورد پذیرش لاتین، ترجمه و به همراه منابع فارسی به منظور دستیابی به محتوای درونی مطالعات چندین مرتبه مرور و دسته‌بندی می‌شوند. در

این گام پژوهشگر یافته‌های حاصل از مرور منابع را به این صورت دسته‌بندی نموده است: «نام و نام خانوادگی نویسنده منبع، سال انتشار، مؤلفه‌های مستخرج از منابع».

گام پنجم: تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌ها

هدف روش فراترکیب ایجاد یک تفسیر یکسان و جدید از یافته‌های حاصل از مرور منابع است که برای شفافیت مفاهیم و نتایج در غربالگری حالات موجود و بروز مدل‌های عملیاتی و تئوری‌ها پذیرفته شده است (عرب و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۴). در این گام، پژوهشگر موضوعات و مضامین مشخص شده را در طبقه‌بندی مشخصی قرار می‌دهد که آنها را به بهترین نحو ممکن توصیف می‌نماید (Sandelowski, & Barros, 2007, p.199). در این پژوهش، ابتدا کلیه مؤلفه‌های مستخرج از منابع توسط پژوهشگر کدبندی شده و سپس با توجه به مفاهیم متبادر شده از هر کدام، آنها را در دسته‌بندی مشابهی جاگذاری می‌نماید که نتیجه آن شکل‌گیری مؤلفه‌های اصلی پژوهش است؛ بنابراین پس از بررسی منابع که به تأیید خبرگان نیز رسیده، ۱۳۹ عامل استخراج گردیده و با استفاده از نرم‌افزار اکسل دسته‌بندی شده و موارد تکراری حذف و برخی از موارد مشابه نیز با نامی مشترک که هر دو مفهوم را پشتیبانی کند، نام‌گذاری گردید و در پایان تعداد ۳۳ مؤلفه جهت ادامه کار تأیید شدند. سپس کدهای مستخرج در قالب مضامین اصلی شش‌گانه همان‌گونه که در شکل زیر نمایش داده شده، قرار گرفتند.

شکل ۳: ابعاد اولیه حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی استخراج شده



گام ششم: کنترل کیفیت و تحکیم آن

ساندلوسکی و باروسو (Sandelowski, & Barros, 2007) در پژوهش کیفی به روش فراترکیب رویه‌های متعددی را جهت حفظ کیفیت و تحکیم آن ارائه نموده‌اند که در پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است. در سیر مراحل پژوهش، توضیح روشنی برای گام‌های متخذه ارائه شده و پژوهشگر از روش‌های دستی و الکترونیک جهت یافتن منابع مربوط استفاده نموده و همچنین در ارزیابی منابع از ابزار (CASP) و مقیاس روبریک و برای حفظ کیفیت مطالعات شاخص (Kappa) بهره گرفته است.

گام هفتم: ارائه یافته‌ها

در گام هفتم و نهای روش فراترکیب، پژوهشگر به ارائه یافته‌های حاصل از مراحل قبل می‌پردازد. ۴۲ منبع منتخب توسط پژوهشگران به دقت و مکرر بررسی شده و اطلاعات مورد نیاز بر مبنای هدف پژوهش شناسایی، تلخیص، همسان‌سازی و دسته‌بندی گردید و در شکل شماره (۴) به صورت مدل مفهومی به نمایش گذاشته شده و اطلاعات حاصله از منابع تشکیل کدها در جدول شماره (۴) قرار گرفته است.

جدول ۴: کدبندی ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی

ابعاد اصلی	ابعاد فرعی	منبع مورد استفاده
۱. اصول اخلاق اسلامی	۱. امانت‌داری - امانت‌داری در معاملات ۲. صداقت - راستگویی، عدم تبانی، عدم تقلب - وفای به عهد ۳. عدالت - بی‌طرفی، اعتدال، عدالت در تسهیم ریسک و بازده، عدالت در روابط متقابل، رفتار افقی ۴. انصاف - رعایت صرفه‌زینفعان، اخلاق فراگیر	(Mostepaniuk, 2017)/ (Mansour & Bhatti, 2018)/ (Hasan, 2009)/ (Abu-Tapanjeh, 2007)/ (Saif Alnasser & Muhammed, 2017)/ (Iqbal & Mirakhor, 2004)/ (Lewis, 2005)/ (Waty & Wardayati, 2015). (کاظمیان، ۲۰۰۶) // (مهدوی پارسا، ۱۳۹۷) // (حساس یگانه و سلیمی، ۱۳۸۹) // (قاسمی علی‌آبادی و نصیری اقدم، ۱۳۹۷) // (همت‌فر و دیگران، ۱۳۹۱) // (رستمی و دیگران، ۱۳۹۵) // (صراف و محمدی، ۱۳۹۵) // (رحمان سرشت و هرنندی، ۱۳۹۶) // (نقی‌پور و دیگران، ۱۳۹۷) // (رحمانی و قشقای، ۱۳۹۵) // (احمدی و عالم‌زاده، ۱۳۹۷) // (محرابی، ۱۳۸۹) // (قلی‌پور و ناصری، ۱۳۹۶) // (بت‌شکن و رهبری خرازی، ۱۳۸۸) // (جمکرانی و دیگران، ۱۳۹۴) // (یحیی‌پور، ۱۳۹۴) // (جمشیدی نوید و ایزدی، ۱۳۹۰) // (باقری، ۱۳۹۵).
۲. نهاد اجتماعی	۱. مسئولیت اجتماعی ۲. عدم تضییع حقوق کلیه ذینفعان ۳. اعتماد اجتماعی	(Mostepaniuk, 2017)/ (Mansour & Bhatti, 2018)/ (Hasan, 2009)/ (Abu-Tapanjeh, 2007)/ (Saif Alnasser & Muhammed, 2017)/ (Iqbal & Mirakhor, 2004)/ (Lewis, 2005)/ (Waty & Wardayati, 2015)/ (Sloan, 2001). (کاظمیان، ۲۰۰۶) // (مهدوی پارسا، ۱۳۹۷) // (حساس یگانه و سلیمی، ۱۳۸۹) // (قاسمی علی‌آبادی و نصیری اقدم، ۱۳۹۷) // (همت‌فر و دیگران، ۱۳۹۱) // (صادقی‌پور و دیگران، ۱۳۹۶) // (رستمی و دیگران، ۱۳۹۵) // (صراف و محمدی، ۱۳۹۵) // (رحمان سرشت و

		هرنندی، (۱۳۹۶) / (احمدی و عالم‌زاده، ۱۳۹۷) / (محرابی، ۱۳۸۹) / (قلی‌پور و ناصری، ۱۳۹۶) / (اعرابی و دیگران، ۱۳۹۰) / (بت‌شکن و رهبری خرازی، ۱۳۸۸) / (حساس یگانه و هاشمی، ۱۳۸۷) / (جمکرانی و دیگران، ۱۳۹۴) / (یحیی‌پور، ۱۳۹۴) / (بهارمقدم و همکاران، ۱۳۹۲) / (حاجیها و شاکری، ۱۳۹۸) / (کاشانی‌پور و رسانیان، ۱۳۸۷).
۳. پاسخگویی اسلامی	۱. پاسخگویی در برابر خداوند ۲. پاسخگویی در برابر کلیه ذینفعان ۳. دیدگاه مکتبی در پاسخگویی	(Hasan, 2009) / (Abu-Tapanjeh, 2007) / (Saif Alnasser & Muhammed, 2017) / (Iqbal & Mirakhor, 2004) / (Lewis, 2005) / (Waty & Wardayati, 2015) / (mansoor et al, 2020) / (Pirson & Turnbull, 2011). (کاظمیان، ۲۰۰۶) / (همت‌فر و دیگران، ۱۳۹۱) / (صادقی‌پور و دیگران، ۱۳۹۶) / (رستمی و دیگران، ۱۳۹۵) / (صراف و محمدی، ۱۳۹۵) / (تقی‌پور و دیگران، ۱۳۹۷) / (محرابی، ۱۳۸۹) / (قلی‌پور و ناصری، ۱۳۹۶) / (اعرابی و دیگران، ۱۳۹۰) / (حساس یگانه و هاشمی، ۱۳۸۷) / (جمکرانی و دیگران، ۱۳۹۴) / (یحیی‌پور، ۱۳۹۴) / (تقی‌پوریان و خلیل‌پور، ۱۳۸۸) / (جمشیدی نوید و ایزدی، ۱۳۹۰) / (بهارمقدم و همکاران، ۱۳۹۲) / (مظلوم و مخملیاف، ۱۳۹۶).
۴. شفافیت	۱. شفافیت در گزارش‌های مالی ۲. شفافیت در گزارش‌های مدیریت ۳. شفافیت در گزارش‌های عمومی شرکت ۴. شفافیت مالکیت سهام ۵. شفافیت سازمانی ۶. شفافیت در خدمات مالی به‌موقع	(Iqbal & Mirakhor, 2004) / (Waty & Wardayati, 2015) (حساس یگانه و سلیمی، ۱۳۸۹) / (قاسمی علی‌آبادی و نصیری اقدم، ۱۳۹۷) / (رستمی و دیگران، ۱۳۹۵) / (صراف و محمدی، ۱۳۹۵) / (تقی‌پور و دیگران، ۱۳۹۷) / (رحمانی و قشقای، ۱۳۹۵) / (احمدی و عالم‌زاده، ۱۳۹۷) / (قلی‌پور و ناصری، ۱۳۹۶) / (اعرابی و دیگران، ۱۳۹۰) / (بت‌شکن و رهبری خرازی، ۱۳۸۸) / (یحیی‌پور، ۱۳۹۴) / (لاری دشت بیاض و همکاران، ۱۳۹۶) / (کاشانی‌پور و رسانیان، ۱۳۸۷) / (نمازی و ابراهیمی میمند، ۱۳۹۵) / (باقری، ۱۳۹۵) / (مظلوم و مخملیاف، ۱۳۹۶).
۵. تصمیم‌گیری در مدل حاکمیت شرکتی اسلامی	۱. مجامع صاحبان سهام ۲. هیئت‌مدیره ۳. نمایندگان ذینفعان ۴. نظارت شبکه‌های ذینفعان	(Waty & Wardayati, 2015) / (Pirson & Turnbull, 2011). (کاظمیان، ۲۰۰۶) / (مهدوی پارسا، ۱۳۹۷) / (حساس یگانه و سلیمی، ۱۳۸۹) / (قاسمی علی‌آبادی و نصیری اقدم، ۱۳۹۷) / (همت‌فر و دیگران، ۱۳۹۱) / (صادقی‌پور و دیگران، ۱۳۹۶) / (رحمان سرشت و هرنندی، ۱۳۹۶) / (تقی‌پور و دیگران، ۱۳۹۷) / (رحمانی و قشقای، ۱۳۹۵) / (احمدی و عالم‌زاده، ۱۳۹۷) / (محرابی، ۱۳۸۹) / (قلی‌پور و ناصری، ۱۳۹۶) / (اعرابی و دیگران، ۱۳۹۰) / (بت‌شکن و رهبری خرازی، ۱۳۸۸) / (یحیی‌پور، ۱۳۹۴) / (مظلوم و مخملیاف، ۱۳۹۶) / (تقی‌پوریان و خلیل‌پور، ۱۳۸۸) / (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۲).
۶. نظارت اسلامی	۱. هیئت شریعت ۲. حسابرسی شرعی ۳. نظارت شرعی	(Mostepaniuk, 2017) / (Mansour & Bhatti, 2018) / (Hasan, 2009) / (Abu-Tapanjeh, 2007) / (mansoor et al, 2020) / (Saif Alnasser & Muhammed, 2017) / (Lewis, 2005) / (Waty & Wardayati, 2015). (حساس یگانه و سلیمی، ۱۳۸۹) / (همت‌فر و دیگران، ۱۳۹۱) / (احمدی و عالم‌زاده، ۱۳۹۷) / (تقی‌پوریان و خلیل‌پور، ۱۳۸۸) / (کردلوئی و همکاران، ۱۳۹۱) / (مهدوی پارسا، ۱۳۹۷) / (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۵) / (صادقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶) / (فیرحی، ۱۳۹۱) / (طاهری و امینی، ۱۳۹۹).

بنابراین با توجه به جدول بالا مدل درختی ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی را

می‌توان به شکل زیر ترسیم نمود:



شکل ۴: مدل درختی مفهومی ابعاد حاکمیت شرعی در پارادایم اسلامی

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظریه‌پردازی در حوزه علوم اقتصادی بر پایه مبانی اسلامی نیازمند همبستگی مراحل و کشف شواهد از منابع است که باید منطبق بر عقل و ادراک بوده و هر کدام از شواهد مکشوفه در جایگاه خود ترسیم و مورد تحلیل پژوهشگر قرار گیرد؛ از این‌رو نگاه پراکنده به مباحث مالی و اقتصادی و تلاش در جهت واردنمودن مفاهیم ارزشمند اسلامی بدون ایجاد همبستگی بین مبانی و ارتباطات قابل قبول و پذیرش نیست؛ لذا پژوهش پیش رو به دنبال پاسخی به سؤال «ابعاد و مؤلفه‌های الگوی حاکمیت شرکتی در اقتصاد اسلامی کدام است؟» می‌باشد که پژوهشگر با استفاده از روش فراترکیب و بررسی ۴۲ منبع معتبر که بر اساس مقیاس روبریک به تأیید خبرگان ۲۵ نفره نیز رسیده، به صورتی دقیق و نظام‌مند عوامل و مؤلفه‌ها (ابعاد) حاکمیت شرکتی اسلامی را شناسایی و در ۶ گروه اصلی و ۳۵ گروه فرعی به صورت الگویی درختی (شکل ۵) دسته‌بندی کرده است که ابعاد اصول اخلاقی، تعهد اجتماعی، پاسخگویی، شفافیت، تصمیم‌گیری و نظارت اسلامی به عنوان ابعاد اصلی و در واقع ریشه این الگو شناخته شده است که انشعابات این ریشه‌ها به صورت درختی تناور با ساقه‌هایی از مؤلفه‌های هر کدام از ابعاد فرعی پوشیده شده است که در زیر به توضیح هر کدام پرداخته می‌شود.

الف) رعایت اصول اخلاقی توسط شرکت‌ها: این مؤلفه از ابعاد حاکمیت شرکتی اسلامی شامل ۱. امانتداری (امانتداری در معاملات)، ۲. صداقت (راستگویی، عدم تبانی، عدم تقلب و وفای به عهد)، ۳. عدالت (بی‌طرفی، اعتدال، عدالت در تسهیم ریسک و بازده و عدالت در روابط با سهامداران، رفتار افقی) و ۴. انصاف (رعایت صرفه‌ذینفعان، اخلاق فراگیر) است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون: ۸)؛ از این‌رو می‌توان امانتداری و صداقت در آن را از اصول بنیادی حاکمیت شرکتی به حساب آورد و صداقت یکی از بارزترین شاخص‌های اخلاقی در فضای کسب‌وکار اسلامی است که آن را می‌توان به اطلاعات متقارن تشبیه کرد (نصراللهی و شفیعی، ۱۳۹۵، ص ۳۴). از طرفی خداوند می‌فرماید: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ: بگو پروردگارم مرا به قسط و عدالت امر نمود» (اعراف: ۲۹) برابری و مساوات و داشتن رفتاری برابر با ذینفعان (رفتار افقی) در بهره‌برداری از امکانات موجود از ابعاد عدالت اجتماعی و رعایت حقوق اقتصادی ذینفعان در حوزه

رفتارهای اقتصادی از ابعاد عدالت اقتصادی است که شرکت‌های اسلامی موظف به رعایت توأمان آنها هستند.

ب) الزام به تعهد اجتماعی توسط شرکت‌ها: تعهد اجتماعی به مؤلفه‌های فرعی دیگری از جمله مسئولیت اجتماعی و عدم تضییع حقوق کلیه ذینفعان و نیز اعتماد اجتماعی تفکیک می‌گردد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ سُحْبَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً لِحُقُوقِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۴۰)؛ لذا عدم تضییع حقوق ذینفعان و تقدم آن بر حقوق فردی، موجبات اعتماد اجتماعی را فراهم و پایداری تعهد اجتماعی در شرکت‌های اسلامی را بیشتر می‌نماید.

ج) پاسخگویی شرکتی در قالب ضوابط اسلامی: این مؤلفه به مسئله پاسخگویی تحت سه مبحث پاسخگویی در برابر خداوند به عنوان مالک و پاسخ‌خواه اصلی، پاسخگویی در برابر کلیه ذینفعان و داشتن دیدگاه مکتبی در پاسخگویی می‌پردازد. آنچه در اسلام بیشتر مدنظر قرار دارد موضوع پاسخگویی وسیع در برابر ذینفعان با یک دیدگاه مکتبی است و در وهله اول پاسخگویی در برابر خداوند مطرح است (رستمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۸۵). حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «كَلِمَةُ رَاعٍ، وَ كَلِمَةُ مَسْئُولٍ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۷۲، ص ۳۸) با این مفهوم که عنصر اساسی حاکمیت شرکتی در این بخش را می‌توان پاسخگویی در اقسام یاد شده آن دانست.

د) شفافیت همه‌جانبه امور مالی با دیدگاه اسلامی: این بعد از حاکمیت شرکتی اسلامی مشتمل است بر مؤلفه‌های ۱. شفافیت در گزارش‌های مالی، ۲. شفافیت در گزارش‌های مدیریت، ۳. شفافیت در گزارش‌های عمومی شرکت، ۴. شفافیت مالکیت سهام، ۵. شفافیت سازمانی، ۶. شفافیت در خدمات مالی به موقع. شفافیت در کنار بسیاری از مفاهیم که در دوران مدرن رواج و توسعه یافتند در ادبیات دینی همواره وجود داشته است. آیه «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۴۲) به نوعی به مسئله شفافیت اشاره دارد؛ زیرا نپوشاندن حق همان اشاره به شفافیت دارد. اسلام به اصل شفافیت تأکید و آن را به عنوان ابزاری برای توسعه جامعه ضروری می‌داند (طاهری و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۸۳-۸۴).

ه) تصمیم‌گیری در شرکت‌ها با توجه به اصول اقتصاد اسلامی: مؤلفه‌های ۱. مجامع صاحبان سهام، ۲. هیئت‌مدیره، ۳. نمایندگان ذینفعان، ۴. نظارت شبکه‌ای ذینفعان به این مبحث پرداخته و به این دلیل مدیران در روابط با خود و دیگران، خود را تحت نظارت مدیری عالم، قادر، عادل و حکیم می‌بینند که قرآن می‌فرماید: «ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ» (یونس: ۱۴). درگیرسازی ذینفعان با مشارکت اثربخش در مجامع شرکت و حاکمیت شبکه‌ای از افراد با دانش و ذینفع و نیز نظارت مؤثر آنها در تصمیم‌گیری‌های کلیدی و همچنین پردازش و تصمیم‌گیری اطلاعاتی در سطح هیئت‌مدیره با استفاده از چندین ذینفع سبب نظارتی چندلایه و شبکه‌ای می‌گردد.

و) نظارت اسلامی: این بعد از ابعاد حاکمیت شرکتی در اقتصاد اسلامی به مبحث نظارت اسلامی بر شرکت‌ها می‌پردازد که خاص کشورهای اسلامی است. سه مؤلفه ۱. هیئت شریعت، ۲. حسابرسی شرعی و ۳. نظارت شرعی.

خداوند در قرآن در مورد امت‌های مختلف می‌فرماید: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا: برای هر یک از شما شرع و راهی قرار دادیم» (مائده: ۴۸). وظیفه هیئت شریعت رسیدن به مقاصد شریعت است؛ بنابراین سیستم تجارت اسلامی باید با قوانین اخلاقی شریعت پی‌ریزی شود (Abu-Tapanjeh, 2007, pp.556-567)؛ لذا در زمینه شریعت، هیئت شریعت ورود پیدا می‌کند (Hasan, 2009, pp.273-293)؛ از این رو در سازمان‌های اسلامی حضور هیئت نظارت شرعی به عنوان یکی از کمیته‌های هیئت‌مدیره به ترسیم تصویر صحیح روابط اسلامی کمک می‌کند (Saif Alnasser & Muhammed, 2017, pp.223-) و از طرفی با توجه به استفاده از اعضای هیئت‌مدیره که آگاهی کامل به مسائل شرعی دارند هیچ‌گونه هزینه جدیدی به شرکت‌ها تحمیل نمی‌کند.

از این رو در زمینه اسلامی کردن علوم باید از هرگونه افراط و تفریط دوری جست. ایده اسلامی کردن علوم در نتیجه آشتی دادن علم با دین است و علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد، به‌ناچار اسلامی و دینی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶)؛ از دیگر سو نظارت بر فعالیت‌های مالی و اقتصادی در جهت حلال نیز در اسلام همواره مورد توجه بوده همانند ربا، قمار، معاملات حرام که در نظام حاکمیت شرکتی مرسوم (آنگلوساکسونی و اروپایی) به آن بی‌توجهی شده است. الگوی حاکمیت

شرکتی آنگلوساکسونی و یا قاره‌ای بر اساس فلسفه اقتصادی پایه‌گذاری شده و شامل فردگرایی، انتفاع شخصی بدون توجه به وضعیت دیگران و حداکثرسازی سود است؛ اما در جهان‌بینی اسلامی در خصوص خدمات مالی، هدف غایی حاکمیت شرکتی در اسلام نه تنها کسب اطمینان از بی‌طرفی در برابر سهامداران است، بلکه گستره ذینفعان را نیز برای رسیدن به شفافیت اطلاعاتی و پاسخگویی بیشتر، رعایت اصول اخلاقی همچون انصاف و عدالت و رسیدن به سود منطقی با توجه به وضعیت دیگران شامل می‌شود؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که قوانین و مبانی اسلامی برای حاکمیت شرکتی راهنمایی‌هایی بیشتر و کامل‌تری را معرفی می‌کند و همچنین تکالیف و روش‌های موجود را در مورد شیوه‌های انجام معاملات اقتصادی برای هدایت اخلاقی مسلمانان به صورتی کامل پوشش می‌دهد. از این جهت استقرار نظام حاکمیت شرکتی پیشرفته در اقتصاد اسلامی نیازمند تعریف مفاهیم نظری حاکمیت شرکتی با رویکرد اسلام‌محور است که توانایی جهت‌دهی به شرکت‌ها و تعیین استراتژی و خط‌مشی را داشته باشد. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش موارد زیر برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود:

۱. انجام مطالعات در خصوص استانداردگذاری در زمینه امور مالی و حسابداری و نیز حسابرسی بر اساس مبانی اسلامی یکی از مباحثی است که موضوع پی‌ریزی حاکمیت شرکتی اسلامی در اقتصاد کشورهای اسلامی را با چالش مواجه می‌نماید؛ از این رو بررسی و پژوهش در خصوص چالش‌های پیش روی پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی اسلامی یکی از اصلی‌ترین مباحث و شاید مانعی برای اجرایی نمودن آن باشد که به پژوهشگران توصیه می‌گردد.

۲. ایجاد هیئت نظارت شرعی، بازرسی شرعی و حسابرسی شرعی در جهت تطابق رفتار شرکت‌ها با اصول و مبانی اسلامی از یافته‌های پژوهش حاضر است که بیشترین اثرگذاری را بر مؤلفه‌های دیگر به ثبت رسانده است و اجرایی نمودن آن در صورت عدم آگاهی از تمامی زوایا با دو مقاومت روبه‌رو خواهد شد: اول بحث چگونگی تشکیل و پیاده‌سازی آنها و مقاومت دوم تحلیل هزینه منفعت است که با توجه به گستردگی موضوع این پژوهش به آن نپرداخته است.

۳. بررسی چگونگی ایجاد زیرساخت‌های حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها بر مبنای اصول

حاکمیت شرکتی اسلامی.

۴. بررسی چگونگی جلب اعتماد عمومی جامعه اسلامی نسبت به رعایت الزامات حاکمیت شرکتی با محوریت قوانین اسلامی و نظارت و حسابرسی شرعی از دیگر مواردی است که می‌تواند در اجرایی نمودن حاکمیت شرکتی اسلامی کمک شایان توجهی بنماید و نگرش سهامداران و مدیران شرکت‌ها را نسبت به خطر ازدست‌دادن منافع آگاه نموده و حتی نوید کسب منفعت بیشتر را منتشر نماید.

منابع و مأخذ

۱. اسدی، علی؛ «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های راهبردی و کلان»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۲، ش ۵، ۱۳۹۳.
۲. احمدی، شاهین و سعید عالم‌زاده؛ «اصول راهبری شرکتی: مطالعه تطبیقی اصول راهبری شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی و قوانین و مقررات ایران»؛ ماهنامه حسابدار، ش ۳۱۷، ۱۳۹۷.
۳. اعرابی، سیدمحمد، زارع، رحیم و مسعود مقدس؛ «جایگاه اصول حاکمیت شرکتی در قانون تجارت ایران (بر اساس اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه)»؛ فصلنامه علمی پژوهشی مجلس و راهبرد، س ۱۸، ش ۶۵، ۱۳۹۰.
۴. باقری، آیت؛ «نقش حاکمیت شرکتی در مبارزه با فساد»؛ مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد سازمان بازرسی کل کشور، س ۴، ش ۹، ۱۳۹۵.
۵. بت‌شکن، محمدهاشم و مهسا رهبری خرازی؛ «حاکمیت شرکتی: میزان رعایت حقوق سهامداران در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»؛ فصلنامه علمی پژوهشی بصیرت، س ۱۶، ش ۴۲، ۱۳۸۸.
۶. بهارمقدم مهدی، صادقی، زین‌العابدین و ساره صفرزاده؛ «بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها»؛ فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، س ۵، ش ۲۰، ۱۳۹۲.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ج ۲، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.

۸. تقی‌پور، بهرام، عباسی سرمدی، مهدی و حسین عابدینی؛ «حقوق اقلیت در شرکت‌های سهامی عام بر مبنای نظام اداره شرکت‌ها (Corporate Governance)؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا»؛ فصلنامه پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، س ۱۹، ش ۴۸، ۱۳۹۷.
۹. تقی‌پوریان، یوسف و مهدی خلیل‌پور؛ «حاکمیت شرکتی با رویکرد اسلامی، تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای با اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»؛ ماهنامه حسابدار، س ۲۵، ش ۲۰۸، ۱۳۸۸.
۱۰. توکلی، محمدجواد و ایمان رفیعی پیشوری؛ «نگاهی نظام‌مند به ورود ارزش‌های اسلامی در نظریات اقتصادی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۲۰، ش ۸۰، ۱۳۹۹.
۱۱. جمشیدی نوید، بابک و محمد مهدی ایزدی؛ «بررسی تأثیر به‌کارگیری اصول حاکمیت شرکتی بر رفتار سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران»؛ فصلنامه علمی پژوهشی مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، دوره ۲، ش ۶، ۱۳۹۰.
۱۲. جهانیان، ناصر؛ «اقتصاد نهاد وقف»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۲۱، ش ۸۱، ۱۴۰۰.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله؛ منزلت عقل در هندسه معرفت دینی؛ ج ۱، چ ۹، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۶.
۱۴. حاجیها، زهره و عبدالرضا شاکری؛ «حاکمیت شرکتی، افشای مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۱، ش ۴۴، ۱۳۹۸.
۱۵. حساس یگانه، یحیی و محمدجواد سلیمی؛ «مدلی برای رتبه‌بندی حاکمیت شرکتی در ایران»؛ فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۸، ش ۳۰، ۱۳۸۹.
۱۶. حساس یگانه، یحیی و سیدهادی هاشمی‌نیا؛ «مرور مبانی و مدل‌های مختلف حاکمیت شرکتی»؛ فصلنامه حسابدار، ش ۲۰۱، ۱۳۸۷.
۱۷. حساس یگانه، یحیی؛ «تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های تجربی حسابداری، س ۶، ش ۲، ۱۳۹۵.
۱۸. _____؛ «مبانی نظری حاکمیت شرکتی»؛ ماهنامه حسابدار، ش ۱۶۸، ۱۳۸۴.
۱۹. حسینی، سیدعلی، بابائی، فاطمه و وهاب قلیچ؛ «بررسی ادراکات دانشجویان و شاغلان بازارهای مالی درباره رویه‌های حاکمیت شرعی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۲۱، ش ۸۱، ۱۴۰۰.

۲۰. خدادادی، ولی، نیک‌کار، جواد و سجاد ویسی؛ «تأثیر معیارهای راهبری شرکتی بر به‌موقع بودن افشای گزارشگری مالی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، س ۱۳، ش ۵۲، ۱۳۹۵.
۲۱. رحمان سرشت، حسین و عطاءالله هرنندی؛ «مدلی برای کنترل راهبردی حاکمیت شرکتی با استفاده از استراتژی تئوری داده بنیاد کلاسیک»؛ فصلنامه پژوهش‌های مدیریت عمومی، س ۱۰، ش ۳۷، ۱۳۹۶.
۲۲. رحمانی، علی و فاطمه قشقایی؛ «رویکردهای نوین حاکمیت شرکتی ابزارهای هیئت‌مدیره موفق»؛ ماهنامه بورس، ش ۱۳۰ و ۱۳۱، ۱۳۹۵.
۲۳. رستمی، وهاب و همکاران؛ «انواع پارادایم‌های راهبری شرکتی»؛ فصلنامه حسابداری رسمی، ش ۲۰، ۱۳۹۵.
۲۴. سهرابی، بابک، اعظمی، امیر و حمیدرضا یزدانی؛ «آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فراترکیب»؛ فصلنامه چشم‌انداز مدیریت دولتی، ش ۶، ۱۳۹۰.
۲۵. صادقی‌پور، علی، فراهانی‌فرد، سعید و رضا غلامی جمکرانی؛ «مدل مفهومی سرمایه‌گذاری پاک با تأکید بر راهبری شرکتی با رویکرد اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، دوره ۷، ش ۱، ۱۳۹۶.
۲۶. صراف، فاطمه و مهسا محمدی؛ «بررسی حاکمیت شرکتی و پاسخگویی با تأکید بر آیات قرآن»؛ فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی، دوره ۶، ش ۲۱، ۱۳۹۶.
۲۷. طاهری، ماندانا و یاسین امینی؛ «نقش حاکمیت شرکتی در مدیریت ذینفعان در بانکداری اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، دوره ۹، ش ۱۸، ۱۳۹۹.
۲۸. طاهری، محسن، ارسطو، محمدجواد و محسن ملک‌افضلی؛ «مبانی و آثار اصل شفافیت از منظر اندیشه سیاسی اسلام»؛ فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه، س ۷، ش ۲۴، ۱۳۹۸.
۲۹. عرب، سیدمحمد، ابراهیم‌زاده پزشکی، رضا و علی مروتی شریف‌آبادی؛ «طراحی مدل فراترکیب عوامل مؤثر بر طلاق»؛ مجله تخصصی اپیدمیولوژی، ش ۴، ۱۳۹۳.
۳۰. فیرحی، داود؛ نظام سیاسی و دولت در اسلام؛ ج ۱، چ ۹، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۱.

۳۱. غلامی جمکرانی، رضا، نیکومرام، هاشم و فریدون رهنمای رودپشتی؛ «ضرورت چارچوب نظری گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی از منظر خبرگان حرفه‌ای و دانشگاهی»؛ دوفصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، دوره ۳، ش ۱، ۱۳۹۴.
۳۲. قاسمی علی‌آبادی، مهدی و علی نصیری اقدم؛ «معرفی مدل مناسب اندازه‌گیری شاخص حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری بدون ربا (محاسبه در یک بانک نمونه)»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، س ۲۶، ش ۸۷، ۱۳۹۷.
۳۳. قرآن کریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند؛ تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۸ق.
۳۴. قلی‌پور، رحمت‌اله و امین ناصری؛ «جایگاه اصول حاکمیت شرکتی خوب در سیاست‌های اقتصادی ایران (مورد مطالعه سیاست‌های اصل (۴۴) قانون اساسی)»؛ فصلنامه علمی پژوهشی مجلس و راهبرد، س ۲۴، ش ۸۹، ۱۳۹۶.
۳۵. کاشانی‌پور، محمد و امیر رسائیان؛ «حاکمیت شرکتی و کنترل»؛ مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، س ۲۰، ش ۳، ۱۳۸۷.
۳۶. کاظمیان، مهدی؛ اصول راهنمای حاکمیت شرکتی برای مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی؛ ج ۱، چ ۱، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۲۰۰۶م.
۳۷. کردلوئی، حمیدرضا، محمودزاده، المیرا و داود جدیدالاسلامی؛ «استقرار حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی ایران (مطالعه موردی: بانک A)»؛ فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۲، ش ۱، ۱۳۹۱.
۳۸. لاری دشت بیاض، محمود، نظری، هنگامه و مصطفی قناد؛ «واکاوی سازوکارهای نظارتی و کنترلی نظام راهبری شرکتی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش حسابداری، س ۷، ش ۲۷، ۱۳۹۶.
۳۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحارالانوار؛ ترجمه عبدالحسین رضایی، موسی خسروی و حبیب‌الله بیاتی؛ ج ۷۲، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۴.
۴۰. محرابی، سیدمهدی؛ «حاکمیت شرکتی و چالش‌های آن»؛ روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۲۱۲۲، ۱۳۸۹.
۴۱. مشایخی، بیتا و فرزانه جلالی؛ «ارزش‌های فرهنگی و حاکمیت شرکتی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۴، ش ۴، ۱۳۹۱.
۴۲. مشایخی، بیتا و مهین شاکری؛ راهبری شرکتی، مفاهیم و موردکاوی؛ ج ۱، چ ۲، تهران: انتشارات بورس، ۱۳۹۵.

۴۳. مظلوم، علی و احمد مخملباف؛ «مروری مختصر بر مفهوم حاکمیت شرکتی»؛ ماهنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری، ش ۴۱، ۱۳۹۶.
۴۴. مهدوی پارسا، علی؛ «چارچوب و اصول اساسی حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی معرفت اقتصاد اسلامی، س ۹، ش ۱۸، ۱۳۹۷.
۴۵. نصراللهی، زهرا و علی شفیعی؛ «اثر صداقت در بازارهای مالی بر متغیرهای اقتصادی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۱۶، ش ۶۱، ۱۳۹۵.
۴۶. نمازی، محمد، رئیسی، زهره و سیدمجتبی حسینی؛ «بررسی رابطه بین شاخص حاکمیت شرکتی و بازده سهامداران شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»؛ فصلنامه بورس اوراق بهادار، ش ۲۲، ۱۳۹۲.
۴۷. نمازی، محمد و مهدی ابراهیمی میمند؛ «بررسی تأثیر سازوکارهای راهبری شرکتی بر افشای ریسک»؛ فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، س ۸، ش ۳۰، ۱۳۹۵.
۴۸. نمازی، حسین؛ «نظام‌های اقتصادی»؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲.
۴۹. هرورانی، حسین؛ «ضرورت استقرار حاکمیت شرکتی و ارائه پیشنهاد برای حمایت از حقوق سهامداران خرد در ایران»؛ تهران: دفتر مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵.
۵۰. همت‌فر، محمود، اصلانی، محمد و فاطمه لطفعلیان؛ «الگوی حاکمیت شرکتی اسلامی»؛ فصلنامه حسابرس، ش ۵۹، ۱۳۹۱.
۵۱. یحیی‌پور، جمشید؛ «مطالعه تطبیقی مدل‌های حاکمیت شرکتی و ارائه مدل مناسب برای حاکمیت شرکتی حقوق شرکت‌های سهامی ایران»؛ فصلنامه علمی پژوهشی بورس اوراق بهادار، س ۸، ش ۲۹، ۱۳۹۴.
47. Abu-Tapanjeh, A.M; “Corporate governance from the Islamic perspective: A comparative analysis with OECD principles”; **Critical Perspectives on Accounting**, No.20, 2007.
48. Ali Y., A. Khan; “Shari’ah Governance: A Solution to Corporate Governance Problem”; In: **Kaur H. (eds) Facets of Corporate Governance and Corporate Social Responsibility in India**, 2021.

49. Aziz, Qudsia; “Corporate Governance Mechanisms on the Internal Relations Between Managers and Subordinates”; Transforming Corporate Governance and Developing Models for Board Effectiveness, edited by Qaiser Rafique Yasser and Abdullah Al-Mamun, **IGI Global**, 2021.
50. Cadbury Code; “Report of the committee on Financial Aspects of Corporate Governance”; the Code of best Practice, **Gee Professional Publishing**, 1992.
51. Chitnomrath, Thanida, Evans, Robert and Theo. Christopher; “Corporate Governance and Post-Bankruptcy Reorganization Performance: Evidence from Thailand”; **Asian Review of accounting**, Vol.27, No.1, 2011.
52. Edwards, M.; “Participatory governance ”; **Canberra Bulletin of Public Administration**, No.107, 2003.
53. Hasan, Z.; “Corporate Governance: Western and Islamic Perspectives”; **International Review of Business Research Papers**, Vol.5, No.1, 2009.
54. Iqbal, Z, and A. Mirakhor; “Stakeholders Model of Governance in Islamic Economic System”; **Islamic Economic Studies**, Vol.11, No.2, 2004.
55. Khalifa, Rihab and Paolo Quattrone; “The governance of accounting academia: issues for a debate”; **European Accounting Review**, vol.17, No.1, 2008.
56. Lewis, MK.; “Islamic corporate governance”; **Review of Islamic Economics**, No.9(1), 2005.

57. Lim, M., How, J. & P. Verhoeven; “Corporate ownership corporate governance reform and timeliness of earnings: Malaysian evidence”; **Journal of Contemporary Accounting & Economics**, Vol.10, No.1, 2014.
58. Mansoor, M., Ellahi, N., Hassan, A., Malik, QA., Waheed, A. & N. Ullah; “Corporate Governance, Shariah Governance, and Credit Rating: A Cross-Country Analysis from Asian Islamic Banks”; **Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity**, No.6(4), 2020.
59. Mansour, Walid and M. Ishaq Bhatti; “The new paradigm of Islamic corporate governance”; 2018 (<https://doi.org/10.1108/MF-01-2018-0043>).
60. Marcel, Ausloos & Martin Kyere; “Corporate governance and firms financial performance in the United Kingdom”; **International Journal of Finance & Economics**, Publisher: John Wiley and Sons, 2020.
61. Mishra, A.K., Jain, S. & R.L. Manogna; “Does corporate governance characteristics influence firm performance in India?”; **Empirical evidence using dynamic panel data analysis. Int J Discl Gov**, No.18, 2021.
62. Mostepaniuk, A.; “Corporate Governance, Girne American University”; **Turkish Republic of Northern Cyprus, Kyrenia, Cyprus**, 2017 (<http://dx.doi.org/10.5772/intechopen.69704>).
63. Muhammad, T.Khan and Qadri M and Al-Jabri; “Dynamic relationship between corporate board structure and firm

- performance: Evidence from Malaysia”; **International Journal Of Financial Economic**, Volume26, Issue1, 2021.
64. Mukhlisin, M. and L. Nofianti; “The Role of Good Corporate Governance and Accounting in Islamic Financial Institutions”; Azid, T., Alnodel, A. and Qureshi, M. (Ed.) **Research in Corporate and Shari’ah Governance in the Muslim World: Theory and Practice**, Emerald Publishing Limited, 2019.
65. Ozili, P.K.; “Corporate governance research in Nigeria”; a review. **SN Bus Econ** 1, No.17, 2021.
66. Pirson, Michael and Shann Turnbull; “Corporate Governance, Risk Management, and the Financial Crisis”; **An Information Processing View**; Fordham University Schools of Business Research Paper No.2011-003, 2010.
67. RichardG., Sloan; “Financial accounting and corporate governance: a discussion”; School of Business Administration, University of Michigan, **Journal of Accounting and Economics**, No.32, 2001.
68. Saif Alnasser.S.A and J. Muhammed; “Introduction to corporate governance from Islamic perspective”; **Humanomics**, Vol.28, Issue3, 2017.
69. Sandelowski, M., And J. Barros; **Handbook for Synthesizing Qualitative Research**; United States: Springer publishing company Inc, 2007.
70. Thompson, E.K. and S. Adasi Manu; “The impact of board composition on the dividend policy of US firms”; **Corporate Governance**, Vol.ahead-of-print, No.ahead-of-print, 2021 (<https://doi.org/10.1108/CG-05-2020-0182>).